



## متوجه نیستند چه بلایی سر کشور آورده‌اند

آیت‌الله سیدمحمدعلی یازدی، عضو مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با دیده‌بان ایران درباره بیانیه منتشرشده توسط مجمع گفت: «ابتدا باید به دو نکته توجه کنیم؛ یکی این که ما در یک موقعیت بسیار خطیر، حساس و تنش‌آلودی هستیم و خطر جنگ به شدت ایران را تهدید می‌کند. در این بیانیه تمام راه‌هایی که بتواند تنش و زمینه‌های فشار، سختی و مشکلات موجود در میان مردم را کاهش دهد، مدنظر ما بوده است. ما معتقد نیستیم که برای رسیدن به هدف، اینکه نصف دنیا هم کشته شوند، اشکالی ندارد. ما اعتقاد داریم به اینکه جنگ و صلح، منطقی دارد. کسی که بتواند به خوبی جنگ کند، می‌تواند به خوبی هم صلح کند. کسی که نتواند جنگ را مدیریت کند، می‌تواند صلح را هم مدیریت نکند. شعار دادن، حرف‌های پوچ و بی‌معنا زدن و اینکه هرکسی صحبت می‌کند را متهم به همراهی با اسرائیل کنیم، مشکلات کشور و فشار را حل نمی‌کند. باید واقع‌بین بود و واقع‌بینانه جهان اطراف را دید و درباره آن سخن گفت. این نکته اولی است که در بیانیه مجمع مدنظر بوده است. جهان براساس آمال ما پیش نمی‌رود.» او ادامه داد: «اما نکته دوم در بیانیه ما این است که وقتی به قطعنامه سال ۱۹۶۷ اشاره می‌کنیم، ما با زبان نظام بین‌المللی و در مقام احتجاج صحبت می‌کنیم. بنابراین باید از زبان، ادبیات و راهکارهای نظام بین‌المللی استفاده کرد. وقتی سازمان ملل قطعنامه‌ای برای «بازگشت به مرزهای فلسطین در سال ۱۹۶۷» صادر کرده است و همچنین مرحوم امیرعبدالله‌یهان، وزیر خارجه دولت سیزدهم هم به آن رأی مثبت داده است، این افرادی که الان سخن گفتن از لزوم بازگشت به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ را خیانت می‌دانند، نمی‌دانم چرا در آن زمان به ایشان و دولت مورد علاقه‌شان ایرادی نگرفتند. به نظر ما، آن موضع قابل دفاع بود.» یازدی همچنین گفت: «آیا واقعاً شعاردهندگان به‌ظاهر دغدغه‌مند، درکی از بحران و مشکلات اقتصادی، مالی، فقر، فلاکت و عقب‌ماندگی‌های دیگر جامعه دارند؟ اینکه بر طبل جنگ بکوبیم و شعارهای پوچ و بی‌معنا بدهیم و بر ملت هزینه تحمیل کنیم، هنر نیست. این افراد در آمال خود غوطه‌ورند و فکر مردم را نمی‌کنند و برایشان حتی اگر نصف دنیا هم کشته شوند، اهمیتی ندارد. مجمع مدرسین چنین ادعاها و شعارهایی را درست نمی‌داند. سخن ما این است که اگر ناچار به جنگ هستیم، باید با عزت و همبستگی و همراهی همه مردم باشد. البته ما به دنبال صلح با عزت هستیم.» او در واکنش به انتقادات مطرح‌شده از این بیانیه توسط روزنامه کیهان گفت: «آقای شریعتمداری هر روز از این حرف‌ها می‌زند. ۲۰-۳۰ سال است علیه مجمع از این سخنان بسیار می‌گوید. نتهت‌نا دربار مجمع، بلکه درباره بسیاری از شخصیت‌های موجه علمی، سیاسی و سرمایه‌های اجتماعی مانند آقای خاتمی، تمام جریان اصلاحات و هر اندیشه‌ای که به ساز و نباشد، این موضوعات را مطرح می‌کند. این حرف‌ها که مهم نیستند، مجمع مدرسین یک تشکیلاتی رسمی، قانونی و نهادی حوزوی و ریشه‌دار است. این مجمع بیش از ۳۰ سال پیش در قم تأسیس شده است و هدف از تأسیس آن، این بوده است که در حوزه‌ای که متکثر است، نباید تنها یک صدای خاص از آن بلند شود. اکنون جامعه مدرسین به‌عنوان یک تشکیلات حوزوی و با یک تفکر خاص وجود دارد، مجمع مدرسین نیز که از گروهی از شخصیت‌های روحانی، علمی و فرهنگی حوزه و دانشگاه تشکیل شده است، نگاهی دیگر دارد. به اعتقاد ما، گروه‌های دیگر که همفکر این دو جریان فکری نیستند نیز حق دارند تشکیلی داشته باشند و نظرات خود را بیان کنند» او ادامه داد: «در ارتباط با این موضوع نیز همان‌طور که دولت قبلی در سازمان ملل، بازگشت به مرزهای پیش از ۱۹۶۷ را امضا کرده است، ما هم به همان معتقدیم. این سیاست جمهوری اسلامی است و افرادی که این روزها با زبان تند به ما حرف‌های ناگفتنی می‌زنند، خارج از چارچوب سخن می‌گویند. آنان متوجه نیستند که بیش از یک دهه تحریم چه بلایی سر کشور آورده است، شاید هم برایشان مهم نیست، همان‌طور که برای رسیدن به آمل‌شان کشته شدن نیمی از مردم جهان نیز مهم نیست. اینان طرفدار رئیس‌جمهوری بودند که قطعنامه‌های علیه ایران را ورق‌پاره می‌دانست و امروز معلوم شد که این نادانی‌ها چه بلایی بر سر کشور وارد کرده است.»

# سیاست داخلی ظریف

## بررسی مهم‌ترین محورهایی که محمدجواد ظریف در گپ وگفتی مجازی مطرح کرد

بدون شک یکی از محبوب‌ترین چهره‌هایی که در بین حامیان مسعود پزشکیان وجود دارد، محمدجواد ظریف است؛ فردی که در انتخابات تمام‌قد به میدان آمد و برای پیروزی پزشکیان کت از تن درآورد و پس از انتخابات هم با دعوت به کاری که از سوی رئیس‌جمهوری صورت گرفت، در کنار پزشکیان ماند و با وجود تمام سنگ‌اندازی‌هایی که تندروها در برابر او داشته‌اند همچنان به کار خود ادامه می‌دهد و در تلاش است تا به پزشکیان در مسیر تحقق وعده‌هایش کمک کند. ساعات پایانی جمعه‌شب، محمدجواد ظریف، معاون راهبردی دولت چهاردهم در بستر کلاب‌هاوس گفت‌وگوی زنده‌ای را با مخاطبان خود انجام داد و محورهای مهمی را درباره خودش، دولت پزشکیان و آینده مطرح کرد و نکاتی را به میان آورد که جای نقد و بررسی دارد. در کنار توضیحی که او درباره حضورش در دولت داد و تأکید کرد که فشار تندروها باعث نخواهد شد استعفا دهد، به محورهای مهمی در گفتار خود اشاره کرد.

### تغییر پارادایم

محمدجواد ظریف در بخشی از گفت‌وگوی خود تأکید می‌کند که ایران با تغییر پارادایم رویه‌ور شده و زمینه‌هایی از این تغییر نیز دیده می‌شود. او می‌گوید: «ایران تنها کشوری است که به پایگاه آمریکایی حمله کرده، توانسته گنبد آهنین اسرائیل را بشکند، نشان دادیم که می‌توانیم خودمان امنیت‌مان را تأمین کنیم. اعتمادبه‌نفس جدیدی برای ما ایجاد شده که ما الان می‌توانیم نگاه تهدیدمحور را به نگاه فرصت‌محور تبدیل کنیم و همسایه‌ها را هم جذب کنیم و وضعیت اقتصادی کشور را بهبود ببخشیم. معتقدم اگر چنین تغییر پارادایمی رخ دهد و می‌توانیم همه مسائل را به عنوان فرصت ببینیم، بدون فراموش کردن تهدیدها، اقتصاد



می‌تواند به تغییر پارادایم مدنظر ظریف کمک کند و نتیجه آن می‌تواند افزایش اعتماد عمومی و بازسازی سرمایه اجتماعی باشد.

یکی دیگر از نکته‌هایی که توسط معاون راهبردی دولت مورد اشاره قرار گرفته این است که او آمده و وفای مطرح‌شده در دولت مسعود پزشکیان را با گفت‌وگوی تمدن‌ها که توسط خاتمی مطرح شده بود یکی کرده است و به عبارتی یک «این همانی» را در این دو موضوع دیده است. نظرتان درباره این موضوع چیست؟

به قول قدیمی‌ها «سنگ بزرگ علامت نزدن است.» اینکه «وفاق ملی» که هنوز چیزی از آن دیده نشده و صرفاً یک شعار زیبا است را با «گفت‌وگوی تمدن‌ها» بی‌مقایسه کنیم که آقای خاتمی مطرح کرده بزرگ کردن موضوع است. در عین حال توجه داشته باشید؛ مگر گفت‌وگوی تمدن‌های خاتمی به ثمر و نتیجه رسید؟ ما در داخل کشور یک تمدن داریم و مایل هستیم با تمدن‌های دیگر مانند تمدن مسیحیت، یهودیت و... وارد گفت‌وگو شویم. آنها نمی‌پرسند که شما آموزش گفت‌وگو دیدید؟ توانسته‌اید با گفت‌وگو مشکلات خود را حل کنید؟ ما نمی‌توانیم با همدیگر گفت‌وگو کنیم. من مسئله عدم گفت‌وگو را فراتر از مسائل سیاسی می‌دانم. این مسئله بیشتر فرهنگی است که جلوه‌هایی از آن در حوزه سیاست هم مشخص می‌شود و مشکلی بزرگ‌تر از دولت و نظام سیاسی است. اینکه بگوییم به سراغ گفت‌وگوی تمدن‌ها می‌رویم کمی مبالغه است. وفاق هم همین‌طور است.

یکی دیگر از مسائلی که توسط ظریف مطرح شده این است که ما نیازمند ایجاد وفاق بین حاکمیت و مردم هستیم. راهکار ایجاد این وفاق چیست؟

قبول دارم وفاق اصلی بین حکومت و مردم است. آنچه ما تاکنون دیده‌ایم وفاق نبوده بلکه رفع اختلاف با گروه‌ها و جناح‌های رقیب بوده؛ آن هم عمدتاً با دادن امتیاز به آنها. اسم این وفاق نیست بلکه در نهایت «میدان سیاست را به حریف واگذار کردن است.» اگر قصد وفاق با ملت را دارند، باید تنگناهای ملت شناسایی و حل شود تا مشخص شود با مردم صادقانه برخورد می‌شود و به دنبال حل مشکلات هستند. در این میان هم اگر نمی‌توانند مشکلی را حل کنند با مردم صادقانه صحبت کنند تا مشخص شود که پای عهد خود در ملت ایستاده‌اند اما حل این مشکلات از عهده دولت خارج است. در حال حاضر هنوز فیلترینگ پابر جاست و مسئله حجاب اجباری نیز حل نشده و حتی دنبال قانونی کردن و فشار بیشتر به مردم هستند. تا زمانی که مسائل حل نشود نمی‌توانیم ادعا کنیم دنبال وفاق با مردم هستیم. حداقل باید این موارد حل شود. هنوز زندانی سیاسی داریم. زندانیان سیاسی مانند آقایان تاج‌زاده، سعید مدنی و... که صرفاً نقد حکومت گناه و جرم آنهاست. در این شرایط که هیچ گشایشی در فضای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رخ نداده، نمی‌توانیم بگوییم دنبال وفاق هستیم. شعار دادن مشکلات را حل نمی‌کند. نیازی نیست دولت شعار بدهد همین که برای رفع این مشکلات اقدام کند، اعتماد عمومی بازبایی می‌شود و بازسازی سرمایه اجتماعی شروع می‌شود.

### امیر خرم رئیس سابق دفتر سیاسی نهضت آزادی:

## تا سرمایه اجتماعی نباشد اصلاحات به ثمر نمی‌رسد

چار چوب اختلافات که مبتنی بر «علت» حل بکند، طبیعتاً باید به آنها امتیاز دهد و این امتیاز دادن حد حقیقی ندارد. اگر وارد این بازی بشود انتهای دولتش جز شکست چیزی نخواهد بود.

ظریف اشاره به تغییر پارادایم کرده است، نظرتان به صورت مشخص درباره این موضوع چیست؟

موضوع این است که «پارادایم» و «گفت‌مان» به معنای تغییر فضای فکری جامعه است. برای تغییر فضای فکری جامعه، باید عوامل قرار گرفتن جامعه در این شرایط شناسایی شود و با کنار گذاشتن آنها، عوامل جدیدی را جایگزین آن کنیم. در سه دهه اخیر، به‌ویژه در این سال‌های آخر اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی در جامعه ما از بین رفته است. یکی از وجوه اعتماد عمومی «اعتماد مردم به نظام سیاسی و دولت مستقر» است. این اعتماد به شدت لطمه خورده است. سرمایه اجتماعی مانند چسبی است که بدنه اجتماعی را به یکدیگر می‌چسباند و در حقیقت عامل ایجاد رابطه بین مردم و نهادها، مردم و حکومت یا نظام سیاسی است. اما این سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر به شدت لطمه خورده است. از جمله مولفه‌های موفقیت نظام‌های توتالیتر این است که جامعه را به یک جامعه توده‌ای تبدیل می‌کنند. در جامعه توده‌ای سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی در پایین‌ترین حد ممکن وجود دارد. نمی‌گویم که جامعه ما دچار یک نظام توتالیتر شده اما به سمت جامعه توده‌وار و حرکت کرده و در این مسیر پیش رفته است. بنابراین مهم‌ترین تغییر گفتمان نیازمند تغییر این مسیر و بستر بوده و در جهت عکس حرکت یک جامعه توده‌وار است. حرکت خلاف جهت جامعه توده‌وار؛ بازبایی اعتماد عمومی و بازسازی سرمایه اجتماعی است. یکی از راه‌هایی که نظام سیاسی می‌تواند برای بازسازی سرمایه اجتماعی انجام دهد، احیا و به‌دادن نهاد‌های مدنی است. یک بار آقای ظریف اعلام کرد که تقویت نهاد‌های مدنی و ارتباط بین دولت و مردم از وظایف معاونت راهبردی است.

این در کلام بسیار خوب است، اما در عمل هم باید ایجاد و نهاد‌های مدنی تقویت شوند. نهاد‌های مدنی حلقه وصل بین حکومت و مردم هستند که از یک طرف فشارهای حکومت در مقابل مردم را دفع می‌کنند. این فشارها می‌تواند خشونت یا استبداد باشد. از سوی دیگر هم تقویت نهاد‌های مدنی به نفع حکومت است چراکه می‌توانند جلوی شورش‌های اجتماعی را بگیرند و با سازماندهی می‌توانند آنها را در کانال‌های قانونی بیان‌ازند. بنابراین تقویت نهاد‌های مدنی

پریسا هاشمی: موضوعاتی که محمدجواد ظریف در کلاب‌هاوس مطرح می‌کند نکات بسیار اساسی و مهمی دارد. از جمله اینکه مردم را به صبر می‌خواند تا تغییرات ایجاد شود. اما او شکاف بین حکومت و ملت را از یاد نبرده و وفاق اصلی را بین این دو، حکومت و مردم می‌داند. امیر خرم، رئیس سابق دفتر سیاسی نهضت آزادی در پاسخ به سوالات هم‌میهن، اظهارات ظریف را مورد بررسی قرار داد.

در بخشی از گفت‌وگویی که ظریف انجام داده است، گفته که زمینه‌هایی دیده می‌شود که نوعی تغییر پارادایم در ایران ایجاد شده که امیدوارکننده بوده و می‌تواند در نهایت منجر به ایجاد زمینه بهتر در کشور طی سال‌های آینده شود. اگر این تحلیل را قبول داشته باشیم که تغییر پارادایم ایجاد شده، تغییرات صورت‌گرفته باید در چه زمینه‌هایی باشد و بر چه اساسی پیش برود؟

یکی از موارد آن «وفاق ملی» است که به تغییر پارادایم تعبیر می‌شود. اما به نظر من اشکال از آن جایی شروع شد که آقای پزشکیان تعریف مشخص و دقیقی از این عبارت ارائه نداد. وقتی تعریف دقیقی از یک عبارتی وجود نداشته باشد، هر کسی محق است که برداشت خود را از آن لفظ داشته باشد. عین این مشکل در زمان آقای خاتمی و به کار بردن لفظ «مردم‌سالاری دینی» وجود داشت. به اعتقاد من یکی از تعریف‌هایی که می‌توان از لفظ «وفاق ملی» داشت، اول این است که برخی وفاق ملی را به معنای حل اختلاف میان جریان‌ها و جناح‌های سیاسی می‌دانند. قدم‌هایی که تاکنون پزشکیان برداشته در این راستا بوده است. حل اختلاف با جریان‌های سیاسی مختلف و با جریان رقیب فی‌نفسه عمل خوبی است. اما حواس پزشکیان باید به یک موضوع باشد که بخشی از اختلافات با جریان‌های سیاسی گوناگون و جریان سیاسی رقیب مبتنی بر «دلیل» است. اختلافات مبتنی بر دلیل با گفت‌وگوهای مستمر و استدلال قابل حل است یا حداقل می‌توان آنها را کاهش داد و مدیریت کرد. اما مشکل آنجاست که بخشی از اختلافات با جریان‌های سیاسی دیگر و جریان سیاسی رقیب مبتنی بر دلیل نیست بلکه مبتنی بر «علت» است. این علت می‌تواند جهت کسب قدرت بیشتر یا منافع فردی، حزبی یا جناحی باشد. اگر پزشکیان بخواهد وفاق ملی را با جریان‌های سیاسی مختلف از جمله جریان سیاسی افراطی رقیب خود در

